



نشریه قدم-شماره ۱۸۶-زمستان ۹۹

واکسیناسیون هم سیاسی است!

مشروعیت، چراغ راه نظام سیاسی
تفکر نقادانه شبیه ویولون زدن است



نشریه قدم

تربیون انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

شماره صد و هشتاد و ششم | سال نهم | زمستان 1399

مدیرمسئول: امیرحسین ناصحی

سردبیر: کیمیا محمدزاده

هیئت تحریریه:

کیمیا محمدزاده

علی میرزاخانی

سارا خواجه نصیری

فرشته اکبری

علیرضا مقتدایی

لازم به ذکر است با عنایت به درج مطالب تحقیقی-پژوهشی، حقوق کلیه مطالب مندرجه برای نشریه قدم محفوظ می باشد. همچنین یادآور می شود که نظرات و عقاید مندرج در این نشریه لزوماً مبین رای و نظر مسئولان نشریه نمی باشد

برای همکاری با نشریه قدم و یا ارائه پیشنهادات و انتقادات، با آیدی زیر در پیامرسان تلگرام در ارتباط باشید

@ghadam_ut

سخن سردبیر

به نام خدا

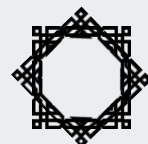
پس از وقفه نسبتاً طولانی، پس از ایام امتحانات اینک آخرین روزهای زمستانی قرن را در خدمتتان هستیم. روزهای زمستانی که همراه با موضوعاتی مثل شیوع گسترده کرونای انگلیسی و واکسیناسیون است. از طرف دیگر می‌توان گفت موضوع انتخابات در این روزها به یک مسئله چالش‌برانگیز برای افراد و گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی تبدیل شده است. به امید خدا قدم‌های بعدی خود را این بار به شکلی متفاوت‌تر بر خواهیم داشت. در سیر جدید قدم در بخش عدلیه، سیر جدیدی از یادداشتهایی در خصوص مشروعیت و مسئله انتخابات شروع خواهیم کرد. در این شماره در بخش امور داخله به دو موضوع ورود واکسن روسی اسپوتنیک و طرح شفافیت آرا نمایندگان پرداخته شد. در بخش فرنگ‌نامه نیز درباره موضوع مذاکرات ایران با طالبان یادداشتی نوشته شد. از این شماره به بعد بخش نقدیه به مجموع مطالب نشریه اضافه خواهد شد. در نقدیه قرار است سیری از موضوعات سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی را جلو ببریم. با آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما عزیزان، امیدواریم که سیر جدید قدم همچون سیر قبلی قدم با علاقه و مشارکت شما همراه باشد.

عدليه

VOTE!



مشروعیت، چراغ راه نظام سیاسی



کیمیا محمدزاده، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

همچنین بر قانونی بودن روش و یا شیوه حکمرانی تاکید دارد. وبر در اینجا از عقلانیت معطوف به ارزش و هدف سخن به میان می‌آورد. او با این راه از عقلانیت مدرن که عقلانیت حسی و ابزاری است، فاصله می‌گیرد و از عقلانیت جدیدی بحث می‌کند که قانونی است و می‌تواند منشا برپایی و بقای یک نظام سیاسی باشد.

2. مشروعیت سنتی: این نوع از مشروعیت در نظام‌های پادشاهی یافت می‌شود. در نظام‌های پادشاهی، آنچه که از گذشتگان به ارث رسیده خدشه‌ناپذیر است. در حقیقت مبنا و آن چیزی که اعتبار دارد، نه رای شهروندان بلکه آن چیزی است که

صنعتی و جامعه مدرن را توضیح می‌دهد. در تحلیل‌های او عقلانیت از اهمیت زیادی برخوردار است. وبر معتقد است که در جامعه مدرن، عقلانیت جایگزین تقدس و امور الهی شده است و همین موضوع، منطقی جدیدی را برای جوامع مدرن می‌طلبد. اصالت بر عقلانیت و دوری از آن چیزی که فراتر از طبیعت قرار دارد، مبنای جدیدی از سازوکار حکمرانی را پدید می‌آورد. وبر برای تحلیل این سازوکار جدید به مشروعیت روی می‌آورد. به همین دلیل به سه نوع مشروعیت اشاره می‌کند:

1. مشروعیت قانونی: این نوع مشروعیت از نظر وبر، بهترین نوع مشروعیت است زیرا مبتنی بر قانونی بودن شخص یا گروهی است که حکومت می‌کند

«مشروعیت» واژه پرتکرار اندیشه سیاسی، از حیاتی‌ترین مفاهیمی است که وجود آن می‌تواند تداوم یک نظام سیاسی را تضمین کند. از این رو در طول تاریخ هر نظام سیاسی با توجه و گرایش به یکسری مسائل و یا با مخالفت با موضوعات خاصی، تلاش کرده تا مشروعیتی را برای خود پدید بیاورد. در اندیشه غربی، مشروعیت با مفهوم «قانون» ارتباط برقرار می‌کند. اما قانون تمام معنای این واژه را بیان نمی‌کند. ماکس وبر یکی از اندیشمندان است که به‌طور عمیق به تعریف و چگونگی این مفهوم پرداخته است. در این یادداشت با توجه به مشروعیت مدنظر وبر به ارتباطی که این امر با بقای نظام سیاسی برقرار می‌کند، پرداخته خواهد شد.

در هر جامعه‌ای مشروعیت معنای خاصی دارد؛ به همین جهت سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی حاکم تعیین‌کننده مشروعیت است. ماکس وبر شرایط پس از انقلاب

حکومت‌کننده (پادشاه) تعیین می‌کند. سنت به عنوان یک اصل حقیقی در تمامی جنبه‌های زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و زندگی سیاسی مردم تحت حکومت را تحت شعاع قرار می‌دهد.

مشروعیت کاریزماتیک: هنگامی که رهبری ویژگی‌های خارق‌العاده و منحصر به فردی داشته باشد، مشروعیت کاریزماتیک به وجود می‌آید. مشروعیت کاریزماتیک که از ویژگی‌های خاص و تاثیربرانگیز یک فرد ناشی می‌شود، رفتارهای شهروندان یا پیروان

3.

را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جامعه‌ای که مشروعیت کاریزماتیک حاکم است، رهبر فردی منزله و سزاوار حکومت تلقی می‌شود و همین امر موجبات دوام حکومت وی را فراهم می‌سازد.

و بر مشروعیت قانونی را راه‌حل نهایی برای بحران‌های جامعه مدرن تلقی می‌کند. از این رو با در نظر گرفتن عقلانیتی مبتنی بر قانون و ارزش که یک امری ثابت و حقیقی است، تلاش می‌کند تا بر بحران‌های ناشی از عدم وجود کلیسا به عنوان نهادی مشروع غلبه پیدا کند. و بر هر دو مشروعیت سنتی و کاریزماتیک را ناکارآمد می‌داند، اولی از آن رو که با عقل مدرن بیگانه است و دومی به دلیل آنکه زودگذر و احساسی است.

چه باید کرد؟ بنابر آنچه که وبر می‌گوید تأکید بر قانون و ارزش‌های عقلانی می‌تواند در تداوم حکومت‌ها نقش مهمی ایفا کند. از این رو بایستی در درون هر یک از نظام‌های سیاسی ابتدا قانون و آنچه که ارزش اساسی در جامعه است به درستی و با معیارهای عقلانی تبیین شود و در مرحله بعدی سیاست‌ها بایستی براساس این اصول طراحی و اجرا شود. چراکه اینگونه نظام سیاسی تداوم پیدا می‌کند. در واقع مشارکت سیاسی افراد و گروه‌ها ارتباط نزدیکی با قوانین دارد. در صورتی که نظام سیاسی نتواند آنطور که باید و شاید این قوانین را تبیین کند و علم و عمل خود را یکی گرداند، مشارکت سیاسی و احساس تعلق در نظام سیاسی به فراموشی سپرده می‌شود و سرآغاز مشکلاتی خواهد شد که تداوم نظام سیاسی را با چالش روبرو می‌کند.

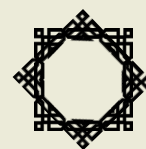






مجلس مخالف شفافیت

علی میرزاخانی، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران



سیاسی کشور را دارند و چه بسا کلید خوردن شفافیت از خانه ملت، مسیر را برای شفافیت سایر بخش‌های سیاسی، هموار سازد. دکتر محمدعلی وکیلی، عضو هیات رئیسه مجلس نیز در گفتگو با عصرایران، ضرورت شفافیت برای همه سازمان‌های سیاسی را یادآور شد و تحدید آن، تنها برای مجلس را نامناسب دانست.

اهمیت دیگر تحقق شفافیت را می‌توان در ارتقاء سواد سیاسی اتباع و آگاهی عمومی دانست. چنانچه جزئیات آراء، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، در اختیار شهروندان قرار گیرد، علاوه بر جلب اعتماد بیشتر، مانع بسیاری از سو برداشتها از فضای سیاسی جاری می‌گردد که پدیدآورنده بسیاری از نظریه‌های توطئه یا سردی روابط ملت با سازمان‌های سیاسی است.

پیشتر نیز که برخی از حواشی مجلس انقلابی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دادیم، بیان شد که مجلس کنونی که گویا تدریجاً از نوپایی درآمده و روزه روز، زوایای تازه‌ای از خود را به رای دهندگان خود نمایان می‌سازد، فرصت جبران ناکارآمدی‌های خود را دارد؛ ولیکن تاکنون هرچه می‌گذرد، تنها شاهد فرصت سوزی و اصرار بر شرایط آغازین آن بوده‌ایم.

مستقیم نمایندگان کنونی بود. ناگفته نماند که برخی برای توجیه امر، افزودند: طرح شفافیت آراء، متوجه کل نظام تقنین کشور است که علاوه بر مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را نیز دربرمی‌گیرد و طبق قانون اساسی، نمایندگان مجلس اجازه تصمیم‌گیری برای این دو نهاد را ندارند و به‌همین سبب، شماری از نمایندگان با اطلاع از این مساله، به طرح مذکور، رای موافق ندادند. نکته مهم برای رد توجیه فوق آن است که شورای نگهبان، موظف به ایجاد تعادل و تناسب میان مصوبات مجلس با شرع دین مبین و قانون اساسی از طریق نظارت بهینه بر مجلس است و بدیهی است که در صورت مغایرت مصوبات مجلس، شورای نگهبان در زمان مناسب، واکنش نشان خواهد داد و نیازی نیست که نمایندگان توجیه‌گر، نقش سخنگوی شورای نگهبان را ایفا نمایند.

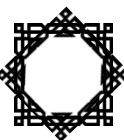
مساله شفافیت، زوایای عمیق‌تر و مهم‌تری نیز دارد. نخبگان سیاسی و همچنین عامه مردم، که در عوض تعارض و تقابل خصمانه با دستگاه‌های سیاسی، به نقد سازنده و مطالبه‌گری فعال برای اصلاح و تعالی نظام سیاسی کشور روی آورده‌اند، تقاضای ایجاد شفافیت برای همه سازمان‌های

از جمله مواردی که نمایندگان مجلس انقلابی، در مقطع انتخابات اسفندماه بر آن تاکید بسیار داشتند، مساله شفافیت آراء بود که در روزهای منتهی به انتخابات، آن را از ناکارآمدی‌های مجلس پیشین نیز می‌شمردند. در جلسه علنی رای‌گیری طرح شفافیت آراء، با ۳۵۱ رای موافق، ۳۶ رای مخالف و ۲۱ رای ممتنع، این طرح به تصویب نرسید؛ به‌گونه‌ای که برای کسب حدنصاب، تنها به سه رای نیاز داشت! یعنی نه تنها با استقبال پرشوری که همواره وعده آن داده می‌شد، مواجه نگشت، بلکه حدنصاب آراء نمایندگان برای تصویب را نیز بدست نیاورد. طی چند ماه استقرار مجلس انقلابی، همواره حواشی بسیاری از جمله ختم قرآن در خانه ملت، تخصیص خودروی دناپلاس، سفارش واکسن آنفولانزا، سیلی به مامور راهنمایی و رانندگی، جمع‌آوری سرخود رای برای نامزدی رئیس دستگاه قضا و... را شاهد بودیم، اما شاید ناکام ماندن طرح شفافیت، تیر خلاصی به شقیقه اعتماد ملت ایران - یا به بیان بهتر، رای‌دهندگان محدود به مجلس انقلابی - به سبزشینان باشد.

دلیل اهمیت این رخداد، آن است که مساله شفافیت، از جمله مواردی بود که وعده



واکسیناسیون هم سیاسی است



سارا خواجه نصیری، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

واکسن کرونای روسی ۱۰۰ درصد در برابر نوع شدید کرونا ایمنی ایجاد کرده و برای سالمندان نیز قابل استفاده است. طبق نتایج منتشر شده، این واکسن حدود ۹۲ درصد ایمنی ایجاد می کند. از طرفی این واکسن در کشور روسیه بر روی بیش از یک میلیون نفر انسان آزمایش شده است، و نتایج این آزمایش نشان می دهد که واکسن عارضه جدی نداشته است.

درست است که این واکسن تأییدیه سازمان بهداشت جهانی را ندارد ولی مدارکش را به این سازمان ارائه کرده است. باید در نظر داشت که پروسه تأیید واکسن، پروسه زمان بر و طولانی است و ممکن است ما در همین پروسه هم درگیر تضاد منافع و تعصبات افراد و گروه های مختلف شده باشیم.

با عنایت به مطالب گفته شده، باید برای واردات دوزهای بیشتری از این نوع واکسن اقدام کرد، زیرا بعد از گزارش منتشر شده از واکسن کرونای روسی، به طور طبیعی خواهان زیادی پیدا خواهد کرد. شایسته است که در چنین موارد مهم و اساسی که حیات اکثریت انسان ها به آن وابسته است، به منابع موثق و معتبر علمی مراجعه کنیم و اسیر فریب نظرات غیر متخصصانه افراد و رسانه ها نشویم. در نهایت اینکه (ما) جاودانه نیستیم و از مرگ نمی توانیم بگریزیم، ولی دست کم می توانیم کور نباشیم و کور از دنیا نرویم.)

تصمیم گیری در ارتباط با این موضوع باید یک نگاه نسبی داشته باشیم و تمامی گزینه ها را دقیق بسنجیم.

به طور کلی چهار نوع محدودیت بر سر راه واردات واکسن کرونا در کشور ما وجود دارد:

۱. محدودیت قوانین داخلی (واکسن کرونای آمریکایی و انگلیسی اجازه ورود به کشور را ندارد)

۲. محدودیت تولید (مقدار تولید واکسن در دنیا کم است و تقاضا بسیار زیاد است یعنی هر کسی به راحتی نمی تواند به هر واکسنی دسترسی داشته باشد)

۳. محدودیت فروش (هر واکسنی به هر کشوری به راحتی فروخته نمی شود)

۴. محدودیت اقتصادی

در کنار تمامی این موارد باید این نکته را در نظر گرفت که ویروس به هر میزان ماندگارتر شود، جهش های بیشتری پیدا می کند و کارایی واکسن ها در مقابل کاهش پیدا می کند. پس در عمل ما چاره ای جز وارد کردن واکسن روسی نداریم و در حقیقت وارد نکردن این واکسن، اشتباه روی اشتباه است. اما آیا می توان به واکسن کرونای روسی اعتماد کرد؟ نتایج فاز سوم این واکسن در یکی از معتبرترین ژورنال های علمی دنیا، انتشار یافته است. مطابق داده های منتشر شده،

(اگر آدم دائماً در بند نظر و عقیده شخصی اش نباشد، می فهمد که لجابت و یکدندگی ناشی از حماقت است)

برای صحبت کردن در ارتباط با مسئله بسیار مهمی به نام واکسن باید تمام تعصبات و پیش داوری های قبلی را کنار گذاشت. به طور کلی تضاد منافع (علمی، مالی و سیاسی) بین افراد و گروه های مختلف به شدت مسئله واکسن کرونا را تحت تاثیر قرار داده است، که این تضادها نباید در تصمیم گیری های ما اثر سوئی داشته باشد. بطور کلی در هر پاندمی برای شروع واکسیناسیون به سه معیار توجه می شود:

۱. نتایج فاز سوم تحقیقات و انتشار آن در یک ژورنال معتبر

۲. تأیید اورژانسی از سوی سازمان غذا و داروی کشوری که قرار است واکسیناسیون در آن شروع شود.

۳. اعتماد مردم

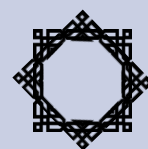
اما آیا واردات واکسن کرونای روسی تصمیم درستی بود؟

واکسن ایده آلی که بعضی از گروه ها به دنبال آن هستند، دارای اثربخشی ۱۰۰ درصد و بدون هیچ عارضه جانبی می باشد، هم اکنون در هیچ کجای دنیا هم چنین واکسنی وجود ندارد. با توجه به شرایط بحرانی و شکننده کشور ما، برای





دیپلماسی در برابر طالبان



فرشته اکبری، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

ایجاد ناامنی‌های فراوان طالبان، به مذاکره با این گروه روی آورده اند؟ نخستین و مهم ترین دلیل مذاکرات چه از جانب دولت افغانستان و چه از جانب دولت ایران مسائل امنیتی است. طالبان تاکنون ناامنی های زیادی را در افغانستان ایجاد کرده است که باعث به شهادت رسیدن بسیاری از مردم بی گناه شده است. همچنین نخستین راهکاری که به ذهن هر فرد خطور می کند حمله نظامی است؛ اما مشکلی که در این رابطه وجود دارد، ضعف قدرت نظامی دولت افغانستان و کوهستانی بودن مناطق این کشور است که همین امر، رویارویی مستقیم نظامی را غیر ممکن می سازد و طالبان دست برتر را در میدان جنگ پیدا خواهد کرد.

مزار شریف به دست طالبان شهید شدند اما زمانی که تنها بازمانده این حادثه آقای مددالله شاهسون دیپلمات ایرانی به کشور خود، ایران می رسد، جنگ متوقف می شود. به گفته ی آقای شاهسون سفارت ایران مورد حمله گروهی قرار گرفته و دیپلمات ها را به شهادت رساندند اما این گروه از طالبان نبود. آقای شاهسون احتمال می دهد، ISI پاکستان عامل حادثه کنسولگری ایران در مزارشریف است و با هدف ایجاد دشمنی بین ایران و طالبان دست به این اقدام زده اند. اما چگونه شد که دولت افغانستان و ایران بعد از اقدامات تروریستی و

ورود طالبان و رهبر آن ملابرادر به ایران تعجب بسیاری را برانگیخت و به دنبال آن عدم شفاف سازی مسئولان ایران باعث برجا ماندن سوالات بسیاری در اذهان عمومی شد. روابط طالبان و ایران تا قبل از آن بسیار مبهم بود. مسئولان ایران همواره این گروه را گروهی تروریستی می خواندند و اخباری که مدعی روابط ایران با طالبان می شد را انکار می کردند. با این وجود نتیجه این گمانه زنی ها، حدود ۴۰ سال پیش ایران و طالبان را در آستانه یک جنگ کشانید. ابتدا گمان می شد ۸ دیپلمات ایرانی در



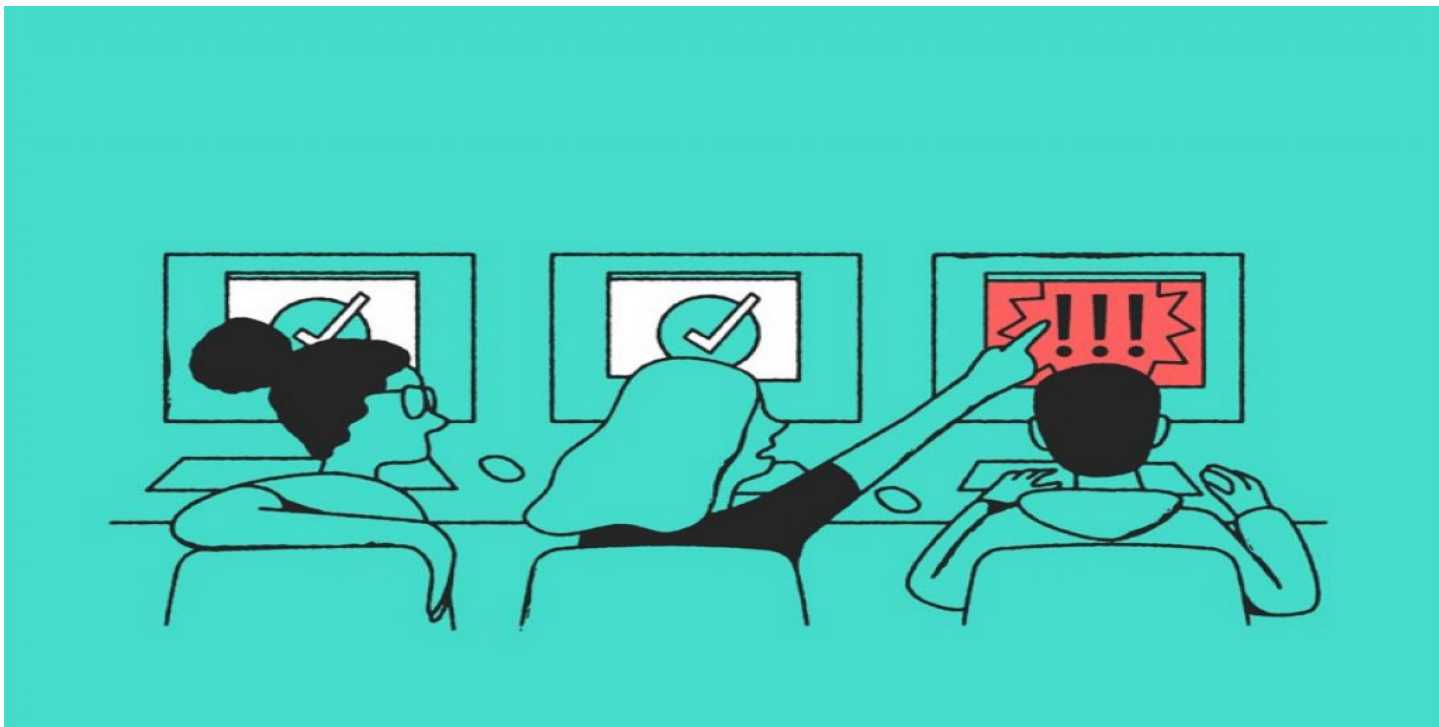
اما هیچگاه حاکمیتی به طور کامل به دست آنان نخواهد آمد و تنها در سیاستها تاثیرگذار خواهند بود زیرا مردم حاکمیت آنان را نمی‌پذیرند. طالبان در نشست‌های خبری متعددی مدعی شده است به دنبال ایجاد صلح و حکومتی اسلامی است و اذعان داشته که به جایگاه زنان احترام می‌گذارد و طبق اسلام، زنان اجازه کار، تجارت، میراث و آموزش را خواهند داشت. امید است در روند مذاکرات ایران و طالبان به شیعیان افغانستان توجه شود و طالبان به اظهارات خود پایبند بماند.

یعنی عربستان و امارات و شرکت‌های خصوصی نظامی مانند «بلک واتر» است. حضور شرکت خصوصی نظامی به معنی افزایش فعالیت‌های سازمان «سی‌آی‌ای» در افغانستان و منطقه است و این یک تهدید امنیتی برای ایران به حساب می‌آید. طالبان مصرانه خواستار خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان می‌باشد و ایران نیز نمی‌خواهد آمریکا در نزدیکی مرزهایش پایگاهی نظامی داشته باشد یا فعالیت‌های خود را گسترش دهد و از این جهت منافع ایران و طالبان همسو است و زمینه‌های همکاری بین آنان را ایجاد می‌کند. طالبان توانسته است برخی از ولایات افغانستان را به تصرف خود در آورد، اما این تصرف تنها در مناطق روستایی است و شهرهای اصلی و بزرگ افغانستان تحت کنترل دولت می‌باشد. طالبان تاکنون با کشورهای مختلفی از جمله ترکمنستان، تاجیکستان، چین، روسیه، قطر و... مذاکره داشته است که این به معنی رسمیت یافتن این گروه است. هرچند طالبان در برخی از مناطق، افغانستان را تحت کنترل خود دارند

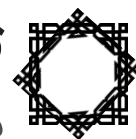
در رابطه با روند صلح در افغانستان دو ائتلاف بزرگ وجود دارد. ائتلاف اول آمریکا - عربستان - امارات - پاکستان و ائتلاف دوم ایران - روسیه - چین - هند می‌باشد در این میان دولت‌های افغانستان و پاکستان تعاملاتی را دارند. از اهداف ائتلاف اول می‌توان به وارد کردن داعش، تشکیل دولتی متضاد با جمهوری اسلامی، تضمین دولت به عدم ضربه زدن به منافع آمریکا، تحت کنترل سیاست‌های منطقه‌ای عربستان و امارات بودن و حفظ نفوذ سنتی پاکستان در این کشور اشاره کرد. این ائتلاف تا به حال موفق نشده است دولت افغانستان و طالبان را بر سر یک میز مذاکره بکشاند. ائتلاف دوم یعنی ایران، روسیه، چین و هند خواهان برقراری صلح و امنیت در افغانستان و همچنین جلوگیری از ورود داعش به این کشور هستند. ایران سعی دارد از نقطه ضعف ائتلاف رقیب وارد شود و دولت و طالبان را به مذاکره سوق دهد و روند صلح را تسهیل نماید. براساس تحلیل‌ها، آمریکا به دنبال پیگیری سیاست‌های خود از طریق هم‌پیمانان خود



نقد نامه



تفکر نقادانه شبیه ویولون زدن است



مقدمه‌ای بر سواد رسانه‌ای

علیرضا مقتدایی، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

نوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم با رسانه‌ها ارتباط دارد. بی تردید حکومتها و روابط آنها با مردم نیز به شدت تحت تاثیر رسانه‌ها قرار گرفته است.

نهاد حاکمیت در اکثر کشورها، به واسطه قدرت عظیم خود، به ایجاد پایگاه رسانه‌ای قوی و البته تحت نظارت خود پرداخته است که به عقیده برخی پژوهشگران، «بازوی قدرتمندی برای سازماندهی و ارتباط با توده‌های مردم» تعریف می‌شود. رسانه‌ها در سراسر دنیا به دست صاحبان قدرت و ثروت مدیریت می‌شوند و مطابق با اهداف و ارزشهایی که صاحبان رسانه‌ها می‌خواهند، بر مردم تاثیر می‌گذارند.

در دهه اخیر، شبکه‌های اجتماعی متعدد با ورود به زندگی انسانها، باعث گسترش سرعت انتشار اخبار و اطلاعات و محتوا شده‌اند. همین امر باعث شده است تا دسترسی مردم به اخبار و وقایع، سهل الوصول تر شود و از ریز و درشت رخدادها

روشنگری به جای ماند و به قرون بعدی و عصر حاضر رسید، همین مقوله تفکر نقاد^۲ است. تفکر نقاد یعنی فکر کردن به روش فکر کردن خودمان و تلاش برای فهمیدن روش فهمیدن خودمان.

با پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات و همینطور رشد فضای سایبری و اینترنت در چند دهه اخیر در سراسر جهان، اکنون شاهد محقق شدن پیش بینی دقیق مارشال مک لوهان^۳ به عنوان نظریه «دهکده جهانی»^۴ هستیم. در دهکده جهانی امروزی، رسانه‌ها به عنوان بخش جدایی ناپذیر زندگی انسانی در جوامع، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. تقریباً اکثر فعالیت‌های روزمره زندگی همه ما، به

جهان کنونی، تفاوت‌های بسیار عمیقی با جهان قرن‌های گذشته پیدا کرده است و روز به روز گسست تاریخی و اندیشه‌ای و آنچه تحت عنوان نظام متافیزیکی سنتی تعریف می‌شود، در حال بیشتر شدن و هویدا شدن است. می‌توان این دگرگونی و انقلاب معرفتی را از نتایج مهم عصر روشنگری^۱ خصوصاً تاثیر ژرف ایمانوئل کانت بر مقوله عقل دانست. در دیدگاه کانت، عقل، سه کارکرد مهم دارد که اصطلاحاً به «عقل نظری»، «عقل عملی» و «عقل نقاد» شناخته می‌شوند و او در واقع ثمره همه را عقل نقاد می‌داند، یعنی عقلی که به نوعی به نقادی خود عقل می‌پردازد و این نقادی، ذاتی عقل است.

آنچه به عنوان میراثی مهم از کانت و عصر

1 - Age of Enlightenment

(روشنگری، اشاره به حرکت تاریخی روشنفکری است که دنباله‌رو دکارت و دفاع از عقل به عنوان مبنای شناخت است. عصر روشنگری دوران آزاداندیشی است و غالب فلاسفه و اندیشمندان، به انتقاد از متافیزیک سنتی پرداختند.)

2 - Critical thinking

3 - Marshal McLuhan

4 - اصطلاحی است که مارشال مک لوهان در کتاب «کهکشان گوتنبرگ» در توصیف آینده جهان، تحت تاثیر وسایل ارتباط جمعی به کار برد.

افزایش این مهارت، می‌توان امید داشت که جریان‌های سیاسی و صاحبان قدرت، نتوانند به راحتی بر افکار عمومی تاثیر بگذارند و مطابق منافع خود، مردم را سازماندهی کنند.

ب) عملکرد نهاد های رسانه ای حاکمیت، باید با دقت و ظرافت به عنوان سوژه ای مهم، مورد ارزیابی تفکر نقاد قرار گیرد و پس از بررسی و شناخت ایرادات، ضعفها و چالش هایی که پیش رو دارد، به سمت تصحیح رویکرد خود با محوریت حقیقت و عقلانیت حرکت کند. در این قسمت سعی بر این است که پس از یک آسیب شناسی کلی و دقیق از رسانه های داخلی خصوصا نهاد صدا و سیما، به سمت تصحیح رویکرد و مردم محور شدن این نهادها و رسانه ها حرکت کرد. چرا که در جامعه و حکومت اسلامی، کارکرد حقیقی حکومت و نهاد های آن که رسانه ها نیز مشمول آن می‌شوند، خدمت به مردم است و این امر محقق نمی‌شود مگر با محور شدن مردم و اصالت حقیقت و شفافیت در رویکرد رسانه های داخلی.

لازم به ذکر است که مهارت تفکر نقادانه چیزی شبیه ویولون زدن است. هر انسانی می‌تواند ویولون بنوازد. اما هیچ‌کس ویولونیست به دنیا نمی‌آید. این مهارت با تلاش و تمرین پیوسته و گسترده حاصل می‌شود و ما در این بخش از نشریه، به دنبال همین امر هستیم. کسانی که فکر می‌کنند بدون آموزش و یادگیری و تربیت، توانایی تحلیل نقادانه را دارند، صرفا در لایه‌ی عمیق تری از سطحی‌اندیشی غرق شده‌اند.

در پی تاثیرگذاری بر دولت ها و جوامع دیگر هستند و استفاده از عامل رسانه و شبکه های اجتماعی، یکی از مهم ترین این شیوه ها است. کشور ما نیز مستثنی از این مقوله نیست و مقابله با هژمونی رسانه ای خارجی اهمیت زیادی دارد. اما متأسفانه شاهد این هستیم که نهادهای رسانه ای حاکمیت نیز عملکرد مطلوبی در زمینه اقناع عمومی ندارند، گویی دشمنی از درون نیز در حال آسیب رسانی است که قاعدتا اثر مخرب عملکرد نامطلوب رسانه های داخلی نسبت به رسانه های خارجی بیشتر خواهد بود. همچنین لازم به بیان این نکته است که اعتماد عمومی به رسانه های داخلی خصوصا در زمینه اخبار و اطلاع رسانی، کاهش پیدا کرده و به لحاظ جامعه شناختی می‌توان گفت که ارتباط بین نهاد حاکمیت و مردم، به واسطه همین امر، در حال گسیختگی است...!

به عنوان دغدغه ای مهم، رسالت خود می‌دانیم تا در این بخش از نشریه، با تکیه بر مقوله سواد رسانه ای، دو مسیر مهم را در پیش بگیریم:

الف) افزایش مهارت تفکر انتقادی برای توده مردم بدین صورت که به راحتی و منفعلانه تحت تاثیر پیامهای رسانه ای (چه رسانه های داخلی و چه رسانه های خارجی) قرار نگیرند. به زبان ساده تر، با

و حوادث و اخبار پیرامون و حتی سراسر دنیا مطلع شوند.

در کشور ما، مرکز صدا و سیما به عنوان مهم ترین و قوی ترین رسانه حاکمیت فعالیت می‌کند و دامنه قدرت آن، سواى راديو و همچنين نزدیک به ۷۰ شبکه تلویزیونی با پخش شبانه روزی، شامل موسسات وابسته ای چون دانشگاه اختصاصی صدا و سیما، انتشارات سروش، روزنامه جام جم، مرکز ساخت فیلم و سریال و همچنین مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و... نیز می‌شود. قدرت رسانه ای نهاد حاکمیت، فقط به مرکز فربه صدا و سیما محدود نیست و پایگاه های خبری و وبگاه ها و روزنامه های بسیار زیادی نیز جزو قدرت رسانه ای نهاد حاکمیت به حساب می‌آید.

آنچه واضح و مبرهن است، در عصر کنونی، بسیاری از جریانسازی ها و اعمال قدرت ها بر مردم و افکار عمومی توسط رسانه ها انجام می‌شود و نداشتن یا ضعف مهارت سواد رسانه ای در یک جامعه، باعث ایجاد تاثیرات منفی و نامطلوبی در جامعه و بین مردم می‌شود. قدرت های جهانی، بی شک در راستای منافع خود،